

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم «اسیر»

باده در خفاء

تازه جوانی به در شیخ رفت
گفت من امروز دوا خورده ام
گفت دوا چیست و چرا خورده ای
گفت چه گویم که چرا خورده ام
تا بَرَهَم از غم ریب و ریا
بادۀ بی ریب و ریا خورده ام
باده که غمباده زداید ز دل
نیست چو در شرع روا خورده ام
شیوۀ رندی نبود در خفا
رطل گرانی به ملا خورده ام
شیخ بشد قهر و جوان باز گفت
دارویی از بهر شفا خورده ام
گفت دوا از پی دفع مرض
خورده ای؟ گفتا بخدا خورده ام
گفت به پا می نتوانی ستاد
گفت من از خاطر پا خورده ام
گفت ز پا گر دو نقط کم کنی
از پی تقویت «با» خورده ام
گفت توهم جرعه ای از آن بنوش
تا که بدانی که چها خورده ام
شیخ چو از تقویت «باه» شنید
گفت من این گونه دوا خورده ام
گفت تو چیزی دیگری خورده ای
تو ز کجا من ز کجا خورده ام
جام چو بگرفت بکف، شیخ گفت
من هم ازین رنج زدا خورده ام

بادۀ نوشین به بر گلـرخـی

خورده ام اما به خفا خورده ام

(فرانکفورت – مارچ 2005 م)